

The Jurisprudential Foundations of Long-Term Temporary Marriage from the Perspectives of Imam Khomeini and Ayatollah Khoei

Kafiyeh Khojasteh Mah-Sayeh 

1. PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Islamic Azad University Zahehan Branch, Zahehan, Iran. E-mail: Ka.khojasteh@iaau.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received:
25 March 2026
Received in revised form:
23 May 2026
Accepted:
31 May 2026
Published online:
11 June 2026

Keywords:
Temporary marriage,
long-term,
Imam Khomeini,
Ayatollah Khoei

ABSTRACT

The subject of temporary marriage particularly long-term arrangements is a controversial and highly debated topic. Regarding long-term temporary marriage, Imam Khomeini holds the view that any marriage contract specifying a duration regardless of how long that period may be remains a temporary marriage. Conversely, Ayatollah Khoei maintains that for a temporary marriage nikahe monqate, the specified duration must be definite and concrete, not exceeding the normal life expectancy of the spouses; otherwise, according to the prevailing azhar opinion, it is deemed a permanent marriage. This study employs a library based research design using a descriptive analytical method. The central research question asks: What are the jurisprudential foundations of long term temporary marriage according to Imam Khomeini and the late Ayatollah Khoei? What are the specific rulings issued by jurists, and what accounts for the divergence in their opinions? Based on Imam Khomeini's view which posits that the nature of a contract is determined by the parties' intent a temporary marriage remains temporary regardless of its duration. This conclusion is supported by the principle of contract validity, the absence of legal or jurisprudential requirements setting minimum or maximum time limits, the views of contemporary jurists, and judicial precedents. However, regarding Ayatollah Khoei's view which suggests such a contract might effectively become permanent potential harm to the wife can be mitigated through stipulations within the contract, such as provisions for maintenance nafaqah and granting the wife an irrevocable power of attorney to waive the remaining duration. This applies even though the contracting parties are sane, adult, and entered the agreement voluntarily. Ultimately, the divergence in rulings stems from differences in their jurisprudential foundations; the conclusions drawn here focus solely on the wad'i (declaratory/status-related) ruling specifically the legal consequences or lack thereof attached to the marriage whether temporary or permanent rather than the taklifi prescriptive ruling regarding its obligation or lack thereof.

Cite this article: Khojasteh Mah-Sayeh, K. (2026). The Jurisprudential Foundations of Long-Term Temporary Marriage from the Perspectives of Imam Khomeini and Ayatollah Khoei. *Comparative Studies of Jurisprudence and Family Law*, 1(1), 45-58.

© Khojasteh Mah-Sayeh, K. Publisher: University of Sistan and Baluchestan

مبانی فقهی نکاح موقت طولانی مدت از دیدگاه امام خمینی و آیت الله خویی

کافیه خجسته ماه سایه

دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران. ایمیل: Ka.khojasteh@iaue.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۱/۰۵ تاریخ ویرایش: ۱۴۰۵/۰۳/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۱۰ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۲۱ واژه‌های کلیدی: عقد موقت، طولانی مدت، امام خمینی، آیت الله خویی	موضوع عقد موقت به خصوص طولانی مدت از مباحث جنجالی و بحث برانگیز می باشد. در مورد عقد موقت طولانی مدت حضرت امام معتقدند نکاحی که مدت در آن ذکر شده باشد هر چند طولانی باشد موقت است؛ اما آیت الله خویی می فرمایند در نکاح منقطع ذکر مدت مشخص و معین شرط است به طوری که از عمر متعارف زوجین بیشتر نباشد و گرنه بنا بر قول اظهر عقد دائم خواهد بود. پژوهش حاضر از نوع پژوهش کتابخانه ای است و روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است. سؤال مسئله این است که مبانی فقهی نکاح موقت طولانی مدت از دیدگاه امام و مرحوم خویی چیست؟ فتوای فقها و علت اختلاف فتوا در چیست؟ نتایجی که از پژوهش به دست می آید، با توجه به دیدگاه حضرت امام که عقد تابع قصد می باشد، در نتیجه عقد موقت هر قدر طولانی باشد عقد موقت خواهد بود و براساس اصل صحت قرارداد، عدم تعیین اقل و اکثر در عقد، عدم وجود نص قانونی یا فقهی، نظرات فقهای عصر حاضر و وحدت رویه قضایی، عقد موقت خواهد بود؛ اما براساس نظر مرحوم خویی که عقد دائم شود، از جهت اینکه ضرر به زوج وارد می شود، می توان با شروط ضمن عقد از جهت وجود نفقه و همچنین وکالت بلاعزل در بخشش باقی مانده مدت برای زوجه تا حدودی جلوی ضرر به زن را گرفت. هر چند متعاقبین عاقل و بالغ و با اختیار خود این قرارداد را پذیرفتند. البته اختلاف فتوا به اختلاف در مبانی فقهی آنان برمی گردد و نتایجی که از جهت حکم به دست می آید فقط حکم وضعی و ترتب اثر و عدم ترتب اثر بر نکاح (موقت یا دائم) مورد توجه است نه حکم تکلیفی و وجوب یا عدم وجوب آن.

استناد: خجسته ماه سایه، کافیه. (۱۴۰۵). مبانی فقهی نکاح موقت طولانی مدت از دیدگاه امام خمینی و آیت الله خویی، مطالعات تطبیقی فقه و حقوق خانواده، ۱(۱)، ۴۵-۵۸.

۱- مقدمه

خداوند متعال در وجود انسان غرایز را به ودیعت نهاده که پاسخ صحیح به آنها سلامت آدمی را تأمین می کند. یکی از این غرایز، غرایز جنسی است که موجب ادامه نسل آدمی و تکثیر افراد انسان می شود. بی تردید اگر به این غریزه از راه صحیح پاسخ داده شود سعادت جامعه تأمین می شود و اگر از راه انحراف باشد هلاکت و بدبختی افراد و جامعه را در پی خواهد داشت. در مقابل، در عصر کنونی به علت تهاجم فرهنگی از طریق رسانه ها و ابزارهای فسادانگیزی چون ماهواره، اینترنت و غیره، ازدواج موقت می تواند راهکاری برای مقابله با چنین حجمه هایی به شمار آید. در اسلام برای حل صحیح مشکل جنسی، راه ازدواج و همسرگزینی پیشنهاد شده است که می تواند به صورت دائمی یا موقت باشد. ازدواج دائم مسئولیت و تکالیف بیشتری برای زوجین به خصوص مرد ایجاد می کند که پاره ای از آن برخاسته از ماهیت و حقیقت ازدواج دائم است که جنبه شرعی دارد و پاره ای از تکالیف نیز متأثر از یک سری آداب و رسوم و تجملات و توقعات زاید و غیرضروری است؛ مانند مراسم سنگین عقد و عروسی، مهریه های سنگین، جهیزیه مفصل، توقع منزل جدا و مستقل و غیره. اما مزایای ازدواج موقت برای افرادی که نیاز جنسی دارند و از لحاظ امکانات اقتصادی یا هر جهت دیگر امکان ازدواج دائم و تشکیل خانواده را ندارند می تواند از ازدواج موقت استفاده نمایند. آنها با ازدواج موقت می توانند خود را از ارتکاب به گناه و عوارض سوء جنسی نجات دهند و اساساً ازدواج موقت برای جلوگیری از فحشا و فساد در جامعه تشریع شده است. ضرورت ازدواج موقت امروزه بیش از هر زمان دیگر احساس می شود. در مورد عقد موقت طولانی مدت حضرت امام قائل به این هستند که عقد موقت هرچقدر طولانی باشد احکام و تکالیف عقد موقت بر آن بار می شود؛ اما آیت الله خویی می فرماید در نکاح منقطع ذکر مدت مشخص و معین شرط است به طوری که از عمر متعارف زوجین بیشتر نباشد و گرنه بنا بر قول اظهر عقد دائم خواهد بود. سؤال مسئله این است که مبانی فقهی نکاح موقت طولانی مدت از دیدگاه امام خمینی و آیت الله خویی چیست؟ فتوای فقهای مذکور در مورد عقد موقت طولانی مدت و علت اختلاف فتوا در چیست؟

۲- پیشینه تحقیق

علی رغم جستارهای متعدد تنها یک مقاله با عنوان «نکاح موقت طویل المدت» سیروس حیدری و پریا زرین یافت شد که در خصوص حداکثر مدت در نکاح موقت می پردازد و یافته های آن بیان می کند که طولانی بودن مدت در عقد موقت فی نفسه وضعیت حقوقی عقد موقت را تغییر نمی دهد و طرفین در تعیین مدت (حداقل و حداکثر) نکاح موقت مختار هستند که اصل حاکمیت اراده است؛ اما در این پژوهش به بررسی تطبیقی و علل اختلاف فتوا و اختلاف مبانی فقهی امام خمینی و آیت الله خویی که دیدگاه های متفاوتی در این زمینه دارند پرداخته شده است.

۳- اهمیت و ضرورت بحث

با توجه به مشکلات اقتصادی عصر حاضر و تعهدات سنگین ازدواج دائم و آثار زیان بار اجتماعی و فرهنگی بالا رفتن سن ازدواج جوانان و نفوذ فرهنگ غرب در جامعه اسلامی و تبدیل شدن ضدارزش ها به ارزش ها، به نظر می رسد یکی از راه های برون رفت در زمینه رفع موانع ازدواج دائم، تبیین صورت های مختلف ازدواج موقت از جمله ازدواج موقت طولانی مدت است که به لحاظ زمانی تشابه زیادی با ازدواج دائم دارد حال آنکه در زمینه تکالیف و تعهدات

تفاوت‌های فاحشی بین آن دو وجود دارد. ازدواج موقت تعهد قانونی دارد و ضررش نسبت به ازدواج سفید و غیره کمتر است و نیازهای جوانان رفع می‌شود و به نفع افراد و مصالح جامعه می‌باشد.

۴- فقه در لغت و اصطلاح

با مراجعه ابتدایی به کلمات و تعییرات جمع کثیری از اهل لغت، به نظر می‌رسد که فقه به معنای مطلق فهم باشد؛ از جمله همچون: «الفقه بالكسر العلم بالشیء و الفهم له و الفطنه له» (قاموس اللغة، ۲۸۹/۴)؛ «الفقه، فهم الشیء» (مصباح المنیر، ۴۷۹).

اما با نگاهی ژرف و عمیق به این نتیجه می‌رسیم که فقه در لغت مطلق فهم نیست بلکه موشکافی و ریزبینی و فهم دقیق را فقه گویند. بهتر است به جای «فهم دقیق» از «ادراک دقیق» استفاده کنیم. بنابراین با مراجعه به فروق اللغة به این نتیجه می‌رسیم که فقه در لغت، مطلق علم به یک شیء و ادراک آن نیست بلکه ریزبینی و ادراک دقیق را فقه گویند. راغب در تعریف فقه می‌گوید: «فقه آن است که انسان با استنتاج از معلومات و قضایای بالفعل موجود، به مجهولی دست یازد» (مفردات راغب، ماده فقه). همچنین ابوهلال عسکری در الفروق اللغویه می‌نویسد: «فقه آن است که انسان با دقت و تأمل، پی به مقتضای کلام ببرد؛ لذا به کسی که مخاطب شماسست می‌گویید «تفقه ما ا قوله»؛ یعنی در آنچه می‌گویم تأمل کن تا بر آن واقف شوی» (الفروق اللغویه، الفرق بین العلم و الفقه، ص ۱۲). و ابن اثیر می‌نویسد: «فقه در اصل، به معنای فهم است و از شکافتن و گشودن مشتق شده است» (النهایه، ۴۶۵/۲؛ قدسی، ۱۳۸۴، ۱۰۱).

اما فقه در اصطلاح اصولیان و فقها، مجموعه‌ای از قوانین، دستورها و امر و نهی‌هایی است که فقیه از منابع و ادله تفصیلی آن استنباط می‌کند و موضع عملی عبد را در برابر خالق رقم می‌زند و به او می‌آموزد که چه عکس‌العملی در مقابل مولای حقیقی‌اش داشته باشد (قدسی، ۱۳۸۰، ۱۱۰).

۵- مبانی و روش اجتهادی امام خمینی

روش اجتهادی امام خمینی (ره) به‌عنوان یکی از نوآورانه‌ترین و عمیق‌ترین رویکردها در فقه شیعه معاصر شناخته می‌شود. این روش، ترکیبی بدیع از سنت‌های اصولی حوزه‌های علمیه، دیدگاه‌های فلسفی و عرفانی، و تحلیل‌های اجتماعی است. در ادامه، مهم‌ترین ابعاد و ویژگی‌های این روش اجتهادی را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱. قناعت‌محور: از آنجایی که فقیه به دنبال این است که به اطمینان یا پایین‌تر از آن برسد، از هر قرینه‌ای استفاده می‌کند؛ حال چه به‌تنهایی آن قرائن حجت باشند، چه قرینه‌ای موثق‌تر و عقلانی‌تر از اقوال فقها باشد. گرچه هرکدام از ظنون به‌تنهایی ارزشی در استنباط دارا نباشد یا به اصطلاح اصولی حجت نباشد. از آنجایی که فقیه دنبال این هست که وجدانش اطمینان و قناعت به حکم داشته باشد، به فقه قناعت تعبیر شده است. به همین خاطر تتبع در اقوال فقها نقش مهم و ضروری در فرایند استنباط احکام دارد و مجتهد را در رسیدن به نتیجه یاری می‌رساند. به همین خاطر حضرت امام در بسیاری از مسائل به بررسی اقوال و آرای فقها می‌پردازد (علیدوست و لطفی، ۱۳۹۹، ۱۴۳).

۲. دقت در آثار اجتماعی فتوا: مجتهد در مرحله صدور فتوا به آثار و پیامدهای بعدی آن توجه می‌کند؛ به‌طوری که از طریق آثار و بازتاب اجتماعی فتوا، به صحت و فساد آن پی برده است. این مسئله در آثار برخی از فقهای شیعه نمایان است (علیدوست و لطفی، ۱۳۹۹، ۱۵۵). از آنجایی که توجه مجتهد به پیامدهای منفی فتوا، حصول اطمینان برای

مجتهد سخت است و فقیه نمی تواند وجدان خود را قانع کند لذا فتوا دادن برای او مشکل می شود. (علیدوست و لطفی، ۱۳۹۹، ۱۵۵).

۳. خبر موثق: به خبری گفته می شود که همراه با قرائنی است که سبب اطمینان و وثوق به صدور آن می شود. حضرت امام در روش اجتهادی خودشان از خبر موثق کمک می گرفتند. این دیدگاه وثوق خبر را مهم می داند و حجیت خبر را هم مشروط به شواهد و قرائنی می داند که سبب اطمینان و وثوق به صدور آن باشد. برخی از فقها این نظر را نظریه شهر می نامند (شهیدی، ۱۳۷۵، ق، ۲/۱).

۴. شهرت فتوایی: حضرت امام در مورد شهرت فتوایی قائل به این است که شهرت بین قدما حجت است اما شهرت بین متأخرین حجت نیست (امام خمینی، ۱۳۸۲، ۱۶۹/۲؛ امام خمینی، ۱۴۱۵، ۱۴۱/۱-۲۶۴-۲۶۵) منظور از شهرت فتوایی آن است که فتوایی از فقها در زمینه حکمی از احکام شرعی شهرت یافته باشد که مستند آن معلوم نیست؛ یا از آن جهت که سندی برای آن حکم نباشد یا هست، اما از آن دوری شده است (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۶، ۳۳۹/۱۰) حضرت امام می فرمایند شهرت در فتوا دو گونه است: شهرت قبل از زمان شیخ طوسی و شهرت پس از زمان شیخ طوسی. شهرت قبل از زمان شیخ طوسی (شهرت قدما) به شهرتی گفته می شود که اصول و مسائل اصلی که از امام معصوم (ع) گرفته شده و در کتب قدما جمع آوری شده و کاشف از گفتار معصومین می باشد. در شهرت قدما اجماع را قبول دارند (امام خمینی، ۱۴۲۰، ۱۴۹/۲) اما شهرت پس از زمان شیخ طوسی آن است که شیخ طوسی براساس فتوا و اجتهاد خود بیان کرده و شاگردانش آن را قبول کردند و برای آیندگان نقل کردند و کم کم به صورت شهرت درآمده است. این قبیل شهرت ها را فقهای متأخر رد کرده اند و آن را تقلید از شیخ دانسته اند. چنانکه صاحب معالم در این زمینه می فرمایند شهرتی که مفید گمان قوی است و شایستگی جبران ضعف روایت را دارد شهرت قبل از زمان شیخ طوسی است اما شهرتی که بعد از زمان شیخ طوسی باشد اعتبار و اعتمادی بر این شهرت ها نیست (ابن شهید ثانی، ۱۳۷۴، ۱۷۶-۱۷۷) علت اینکه می فرمایند شهرت فتوایی قدما مانند اجماع حجیت دارد از این جهت که کاشف از رأی معصوم است و اکثر دانشمندان قدیم ملاکی همچون لطف (شیخ طوسی، ۱۴۱۷، ۶۴۲/۲) و تقریر (دزفولی کاظمی، ۱۳۱۷، ۱۶۴) بودن امام (ع) در میان اجماع کنندگان (سید مرتضی، ۱۳۴۸، ۶۰۲/۲) را کاشف از رأی معصوم می دانند. نقل روایات در مقام فتوا توسط قدما رسم بوده است و متون روایات امامان معصوم (ع) فتوای آنها را تشکیل می داده است (امام خمینی، ۱۳۸۵، ۷۱/۲). حضرت امام (ره) می فرمایند اگر روایاتی ضعیف السند باشند و یا سند و راوی آن مشخص نباشد می توانیم تصحیح کنیم و قائل شویم که این روایات حجیت دارند و شهرت بین قدما ضعف سند را جبران می کند. به طور کلی در کتب فقهای پیشین (قدما) مسائل خاصی را مشاهده می کنیم که فقهای قدیم بر آن اتفاق نظر دارند در کتاب های مقنع، هدایه شیخ صدوق، نهایه شیخ طوسی، مقنعه شیخ مفید و... یک سری اصول و مسائلی هستند که این افراد سخنان معصوم را با حذف سند آنان در کتاب های خود آورده اند و براساس آن فتوا داده اند که به آنها فقه منصوص گفته می شود. به همین دلیل شهرت فتوایی قدما حجت است چون نزدیک به عصر معصومین است چرا که کاشف از نظر و رأی معصوم است اما شهرت فتوایی فقهای متأخر چون برگرفته از اجتهاد می باشد حجت نیستند. (فیض و بهرامی نژاد، ۱۳۸۷، ۲۲).

۶- مبانی و روش اجتهادی مرحوم خوئی

۱. صنعت‌محور: مرحوم خوئی در فرایند اجتهاد و استنباط احکام شرعی از روش فقه صنعت استفاده می‌کند و براساس این روش فقیه با استفاده از گروه خاصی از ادله که حجیت آنها در علم اصول فقه به اثبات رسیده، به اجتهاد و استنباط حکم می‌پردازد چه وجدان انسان قانع بشود چه نشود و اگر آن ادله فاقد شرایط حجیت باشند کنار گذاشته می‌شود و فقیه به سراغ اصول عملیه می‌رود. برخی افراد این روش را به روش ریاضی تعبیر کرده‌اند. (علیدوست و لطفی، ۱۳۹۹، ۱۴۳) چرا که حل مسائل ریاضی همان‌طوری که با فرمول خاصی است و از آن فرمول عدول نمی‌کند؛ بدون آن به نتیجه نمی‌رسد. طبق این روش مسائل علم فقه هم دارای قواعدی مشخص و اصولی معین هستند و فقیه در مقام استنباط از آن قواعد تجاوز نمی‌کند به‌عنوان مثال این روش اجتهادی شبیه به ادله قانونی در باب قضااست که طبق آن ارزش هر دلیلی در قانون معین و مشخص است و قاضی هیچ اختیاری در تعیین میزان دلالت دلیل ندارد. (دیانی، ۱۳۵۸، ۲۳).

۲. روش آیت‌الله خوئی در نقل اقوال و روایات: آیت‌الله شبیری زنجانی فرمودند که آقای سید عبدالکریم اردبیلی (از مراجع تقلید) از آقای خوئی نقل می‌کرد که ایشان می‌فرمودند: «فلما اراجع الجواهر». از مستند العروة الوثقی ایشان هم معلوم است که برای نقل اقوال به مستمسک آقای حکیم مراجعه و اقوال جواهر را از آنجا نقل می‌کند. برای روایات نیز به کتاب حدائق مراجعه می‌کند چون حدائق روایات را خوب بررسی می‌کند سپس آقای خوئی فکر می‌کند و نظر می‌دهد. سلیقه آقای خوئی این گونه بود (شبیری زنجانی، ۱۳۹۴، ۶۸۱/۲).

۳. فقه استدلالی (تعمقی): فقه استدلالی (تعمقی) آن است که فرد کمتر دنبال تتبع در اقوال فقه‌هاست. تتبع زیاد، فرصت برای فکر کردن نمی‌گذارد؛ اما در فقه استدلالی فرد ابتدا دنبال منابع و ادله می‌رود؛ همچون مرحوم خوئی. (درس خارج اصول، ۱۴۰۲/۸/۷، استاد گنجی) مرحوم خوئی می‌فرمایند برای اجتهاد همین که از قواعد درست استفاده کند او مجتهد است؛ اما مشهور بین علما این طور بود که برای دادن تصدیق اجتهاد، ابتدا روایات یک باب را در اختیار خود فرد قرار می‌دادند. اگر آنچه استنباط کرده باشد مطابق برخی اقوال باشد، اجتهاد دارد و اگر کسی در مورد آن صحبتی نکرده باشد، معلوم می‌شود هنوز به مرتبه اجتهاد نرسیده است (درس خارج اصول، ۱۴۰۲/۸/۱۴، استاد گنجی).

۴. عدم توجه به بازتاب اجتماعی فتوا: مرحوم خوئی به پیامدها و بازتاب اجتماعی فتوای خود توجه نمی‌کند؛ چراکه براساس روش صنعت‌محور، توجه به پیامدهای فتوا هیچ دخالتی در فرایند استنتاج حکم شرعی ندارد. (علیدوست و لطفی، ۱۳۹۹، ۱۵۶).

۵. خبر ثقه: خبر ثقه، خبر واحدی است که راوی آن ثقه مورد اطمینان از نظر راست‌گویی باشد. ثقه همیشه صفت راوی است و ثقه بودن راوی ممکن است برای شنونده احراز گشته یا در کتاب‌های رجالی به آن تصریح شده باشد (فرهنگ‌نامه اصول فقه، مرکز اطلاعات و منابع اسلامی، ۱/۴۳۹) مرحوم خوئی با توجه به اینکه صنعت‌محور است از خبر ثقه استفاده می‌کند به این صورت که به بررسی سندی تک‌تک روایات در یک باب یا مسئله فقهی می‌پردازد و ممکن است طبق نظر آنها تمام روایات ضعیف یا غیرقابل افتاء باشند. (علیدوست و لطفی، ۱۳۹۹، ۱۵۳).

۶. عدم حجیت شهرت فتوایی: مرحوم خویی شهرت قدما را به شرط اینکه نوشته و کتاب‌های آنان موجود باشد و به دست ما رسیده باشد؛ حال آنکه چنین چیزی وجود ندارد و شهرت متأخرین چون فتوای خود فقها است مورد قبول نیست. پس نتیجه می‌گیریم براساس نظر مرحوم خویی شهرت فتوایی به خودی خود حجت نیست (خویی، ۱۳۵۲، ۱۵۹/۲ - ۱۶۰).

۷- عقد موقت در قرآن و روایات

فما استمتعتم به منهن فاتوهن اجورهن فريضه (نساء، ۲۴). زنانی را که متعه (ازدواج موقت) می‌کنید واجب است مهریه آنها را بپردازید. کلمه «استمتعتم» در عرف به معنای ازدواج موقت است و بنای شارع بر این بوده که احکام را مطابق فهم متعارف مردم بیان کند و در صورت عدم قرینه بر خلاف، برای فهم الفاظ شرعی معنای عرفی متشرعه معیار است؛ از این رو لفظ استمتاع نیز باید بر معنای عرف شرعی حمل گردد (طبرسی، ۱۴۰۶، ق، ۵۲/۳).

شیخ طبرسی معتقد است یکی از نشانه‌های لفظ استمتاع در این آیه بر نکاح موقت دلالت دارد، این است که در آیه شریفه حکم شده است: «فاتوهن اجورهن» یعنی تمام مهرشان را به صرف عقد بپردازید؛ درحالی که در نکاح دائم اگر قبل از دخول و نزدیکی طلاق صورت گیرد تنها نصف مهر لازم است و نه تمام آن و تنها در نکاح موقت است که به صرف عقد تمام مهر واجب می‌شود. (طبرسی، ۱۴۰۶، ق، ۵۲/۳). شاهد دیگر اینکه بر اساس قرائت دیگری آیه شریفه چنین قرائت می‌شود: «فما استمتعتم به منهن الی اجل مسمى» بر اساس این قرائت قید اجل مسمى اضافه شده است که به معنای نکاح موقت می‌باشد چون در نکاح دائم ذکر مدت معنا ندارد (طبرسی، ۱۴۰۶، ق، ۵۲/۳).

امام رضا(ع) فرمودند: «ازدواج موقت، حلال و مباح مطلق است، برای کسی که خداوند امکان ازدواج دائم را روزی او نکرده است؛ پس با ازدواج موقت خود را حفظ می‌کند. حال اگر با ازدواج دائم از آن بی‌نیاز شود ازدواج موقت در صورتی برای او مباح است که از همسرش دور باشد» (شهید ثانی، ۱۴۰۳، ۲۸۳/۵؛ کلینی، ۱۳۶۷، ۴۵۲/۵) طبق دیدگاه‌های علمای رجال، سند این حدیث «صحیح» یا دست کم «حسن» است؛ بنابراین به این سند می‌توان اعتماد کرد. اخبار در مشروعیت متعه به حد زیاد است که شهید ثانی می‌نویسد که نزدیک به تواتر است حتی با وجود کثرت مخالفین شیعه (شهید ثانی، ۱۴۰۳، ق، ۲۸۴/۵). با توجه به این که مشروعیت متعه از ضروریات مذهب تشیع است، اهل تسنن در اصل مشروعیت متعه در زمان پیامبر(ص) با امامیه هم عقیده هستند اما اختلاف اهل تسنن با تشیع درباره نسخ این حکم می‌باشد.

۸- تفاوت عقد دائم و موقت

نکاح در قانون مدنی ایران بر دو قسم است: نکاح دائم و نکاح موقت. اصل در نکاح این است که دائم باشد. حال اگر فردی شرایط ازدواج دائم را نداشته باشد می‌تواند ازدواج موقت را انجام دهد. با این حال ازدواج دائم و موقت با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند؛ به این صورت که در عقد موقت زن و مرد تصمیم می‌گیرند که به صورت موقت با هم ازدواج کنند و بعد از اینکه مدت تعیین شده به پایان رسید اگر تمایل داشتند عقد را دوباره به صورت دائم یا به صورت موقت تجدید کنند یا اینکه پس از پایان مدت از هم جدا شوند در صورتی که در عقد دائم اصل بر دوام است و مدت در آن تعیین نیست (محقق داماد، ۱۳۸۵، ۲۱۱). در نکاح موقت اراده و اختیار و قصد طرفین در آثار، احکام و ضوابط

عقد موقت تأثیر دارد؛ مثلاً در عقد موقت بحث مدت و زمان عقد موقت، وجود نفقه یا عدم وجود آن، تمکین خاص یا عام، وجود فرزند یا عدم آن را با اختیار و اراده طرفین انجام می‌پذیرد؛ حال آنکه در عقد دائم یکسری حقوق و تکالیف بر عهده طرفین است؛ حتی اگر زن و شوهر نخواهند آن مسئولیت‌ها را بپذیرند باز هم نمی‌توانند از قبول آن دست بکشند؛ مانند وجوب نفقه، ارث، طلاق، ولایت، حضانت و.... (لطفی، ۱۳۸۸، ۳۱-۳۲؛ وثیق زاده انصاری، ۱۳۸۰، ۵۸). علت حساسیت قانون مدنی بر تعیین دقیق و مشخص، مدت نکاح و میزان مهریه آن است که ازدواج موقت برخلاف ازدواج دائم برای تشکیل کانون خانوادگی نبوده بلکه امری موقتی است و در قبال تمتع جنسی از زن مهریه‌ای به او تعلق می‌گیرد؛ بنابراین طرفین باید وضعیت حقوقی خود را کاملاً بشناسند و زن در حقیقت بداند در قبال مدتی که در اختیار شوهر است چه مهریه‌ای به او تعلق می‌گیرد.

۹- تحریر محل نزاع

یکی از مسائلی که در ازدواج موقت طولانی مدت مطرح و محل بحث می‌باشد، آن است که ازدواج موقتی که مدت آن طولانی باشد، آیا باز هم عقد موقت است یا اینکه عقد دائم خواهد بود که در این مسئله حضرت امام می‌فرمایند عقد موقت هرچقدر طولانی باشد احکام و تکالیف عقد موقت بر آن بار می‌شود؛ اما آیت‌الله خویی می‌فرمایند در نکاح منقطع ذکر مدت مشخص و معین شرط است به طوری که از عمر متعارف زوجین بیشتر نباشد و گرنه بنا بر قول اظهر عقد دائم خواهد بود. در ادامه نظر هر کدام از فقهای مذکور را با ادله آن ذکر خواهیم کرد.

۱۰- دیدگاه امام خمینی در مورد عقد موقت طولانی مدت

یکی از مسائلی که در ازدواج موقت مطرح و محل بحث می‌باشد و در فتوای مذکور نیز نسبت به آن اظهار نظر شده، این است که عقد موقت اگر مدت آن طولانی باشد باز هم موقت است یا دائم خواهد بود؟ مدت مورد توافق در ازدواج موقت تا چه اندازه می‌تواند باشد؟ و تعیین آن بر عهده کیست؟ امام خمینی معتقدند نکاحی که مدت در آن ذکر شده باشد، هرچند طولانی باشد نکاح موقت است (امام خمینی، ۱۴۰۹، ۵۱۷/۳).

ادله حضرت امام:

۱. نکاح براساس قصد و اراده طرفین: چون قصد طرفین عقد موقت بوده، طرفین آزادی عمل داشتند، نمی‌توان قائل به وقوع نکاح دائم شد. اگر مدت در عقد موقت هرچقدر هم طولانی باشد عقد متعه می‌باشد؛ و همچنین است که در نکاح موقت آنچه شرط است ذکر مدت می‌باشد حال این مدت کم باشد یا طولانی به نظر و اراده طرفین بستگی دارد (خمینی، بی تا، ۲۹۰).

۲. نبود نص قانونی یا فقهی: چون نص قانونی و فقهی مبنی بر ممنوعیت متعاقب از انعقاد نکاح موقت به صورت طویل‌المدت وجود ندارد، بنابراین اصل بر جواز و اباحه است. با توجه به اینکه قانون‌گذار در مورد زمان و مدت عقد موقت سخنی به میان نیاورده و محدوده معینی را مشخص نکرده، بنابراین، با سکوت قانون‌گذار قاضی باید حکم مسئله را از منابع فقهی و فتاوی مراجع تقلید پیدا کند. همان‌طور که می‌دانیم در مورد عقد موقت اقل و اکثری مشخص نیست. اصل بر جواز و صحت عقد است و برای عدم صحت آن نیاز به دلیل باید باشد و از آن طرف دلیلی

بر عدم صحت و جواز وجود ندارد؛ پس اصل صحت و جواز عقد موقت طولانی مدت است و اکثر فقها بر صحت عقد موقت طولانی مدت فتوا صادر کردند؛ چراکه با اراده و قصد طرفین است (العقود تابعه للقصود).

۳. عدم تعیین اقل و اکثر: برای نکاح موقت از نظر فقهی اقل و اکثری تعیین نشده و اراده طرفین در این خصوص ملاک می باشد؛ بنابراین، می شود مدت آن را به کمتر از زمانی که برای جماع لازم است تعیین نمود و همان قسم اگر مدت طولانی باشد که زائد از حد عمر عادی باشد نیز جایز است؛ مثل اینکه ۱۵۰ سال زنی برای مردی صیغه شده است. این عقد متعه دارای آثار است تا موت یکی از طرفین یا بذل بقیه مدت (حائری، ۱۳۷۶، ۹۳۶-۹۳۷). بنابراین تعیین مدت نکاح منقطع به صورت طولانی و حتی زائد بر عمر متعارف را بدون اشکال دانسته و علی الظاهر آن را تابع احکام نکاح موقت تلقی نموده اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، ۱۲۱). در ماده ۱۰۷۶ قانون مدنی آمده است «مدت نکاح منقطع باید کاملاً معین باشد» لیکن قانون مدنی درباره حداکثر مدت در نکاح موقت هیچ نصی ندارد.

۴. اصل صحت قرارداد: ماده ۲۲۳ ق.م. مقرر می دارد: «هر معامله ای که واقع شده باشد محمول به صحت است مگر این که فساد آن معلوم شود.» این قاعده در فقه به اصاله الصحه مشهور است. اصل صحت در فرضی قابل اعمال است که بر حسب ظاهر عقدی واقع شده باشد. در صورتی که عقد، واقع شده ولی تردید شود که آیا شرایط اساسی صحت معامله در آن رعایت شده است یا خیر، باید اصل صحت را جاری کرده و بگوییم شرایط اساسی صحت معامله در آن رعایت شده است. بنابراین در مورد عقد موقت طولانی مدت، وقتی شک کنیم که آیا عقد موقت طولانی مدت درست هست یا نه اصل صحت را جاری می کنیم و می گوییم عقد صحیح هست.

۵. نظرات فقهای عصر حاضر: برخی از فقهای معاصر بر موقت بودن نکاح منقطع طولانی مدت تأکید داشتند. آیا اجرای عقد موقت ۹۹ ساله حکم عقد دائم دارد یا موقت یا باطل است؟ مرحوم امام، آیات عظام خامنه ای، صافی، فاضل لنکرانی، نوری همدانی، شبیری زنجانی قائل به این هستند که نکاح منقطع طولانی مدت حکم عقد موقت را دارد (سایت رسمی احکام جامع).

۶. وحدت رویه قضایی: در سامانه آراء قضایی در مورد ماهیت نکاح موقت طولانی مدت به شماره دادنامه قطعی ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۲۶۰۰۵۸۵ به تاریخ دادنامه ۱۳۹۲/۴/۱۲ در دعوای اثبات زوجیت دائم، صرف طولانی مدت بودن نکاح متعه (مانند ۹۹ ساله بودن) مبین دائمی بودن نکاح واقع شده نیست. همچنین شماره دادنامه قطعی ۹۲۰۹۹۸۳۷۳۰۳۰۰۱۸۵ به تاریخ دادنامه ۱۳۹۴/۱/۲۳ ماهیت نکاح موقت طولانی مدت (۹۹ ساله) با ذکر اینکه «عقد جاری شده در حکم دائم است» تغییر نمی کند؛ بنابراین تابع احکام نکاح موقت است.

۱۱- نظر آیت الله خویی در مورد عقد موقت طولانی مدت

آیت الله خویی می فرمایند در نکاح منقطع ذکر مدت مشخص و معین شرط است به طوری که از عمر متعارف زوجین بیشتر نباشد؛ وگرنه بنا بر قول اظهر عقد دائم خواهد بود (خویی، ۱۴۰۲، ۲۷۲/۲).

آنچه مرحوم خویی از این مسئله مطرح فرمودند به نظر می رسد که ضرر به زوجه از جهت نفقه و خروج از عقد موقت ... باشد؛ اما هر کدام از این موارد را مورد نقد و بررسی قرار می دهیم:

اولاً، عقدی که به قصد موقت انجام شده، بگوئیم احکام عقد دائم بر آن بار شود چون ضرر به زوجه هست؛ از آن طرف اگر عقد دائم شود ضرر به زوج خواهد بود. از آنجایی که متعاقدين عاقل و بالغ و با اختیار شرایط عقد را پذیرفتند؛ پس همان عقد موقت خواهد بود.

ثانیاً، اگر گفته شود به جهت طولانی بودن عقد موقت امکان خروج و جدایی طرفین از عقد ممکن نیست. در چنین شرایطی در عقد موقت کوتاه مدت هم امکان جدایی و خروج از عقد موقت نیست. در این صورت می شود از وکالت بلاعزل در بخشش باقی مانده مدت برای زن در عقد شرط شود یا اینکه ادعای عسر و حرج بودن را بتواند ثابت کند امکان خروج از عقد موقت خواهد بود.

ثالثاً، در بحث نفقه هم به صورت کلی عقد موقت نفقه ندارد با توجه به ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی: «در عقد انقطاع، زن حق نفقه ندارد مگر اینکه شرط شده باشد یا عقد مبنی بر آن جاری شده باشد.» حال اگر در عقد موقت طولانی مدت وجود نفقه شرط شود چه به صورت ضمنی و چه به صراحت باشد مشکل ضرر به زن رفع می شود. منظور از شرط ضمنی، شرطی که به صراحت طرفین عقد آن شرط را انجام ندهند و بیان نکنند ولی آن شرط در جامعه و منطقه به صورت عرف باشد آن شرط را ضمنی می گویند؛ به این صورت که اگر عقد به صورت مطلق هم انجام شود وجود آن شرط در عقد در ذهن طرفین به صورت عرف باشد؛ یعنی نیاز به گفتن آن شرط نباشد (شهیدی، ۱۳۸۶، ۴۱) و شرط تبانی؛ منظور از این شرط ساخت و ساز یا اینکه ساخت و باخت نمی باشد؛ بلکه به شرطی گفته می شود که عقد نکاح بر اساس آن صفت شرط شده است و نام دیگرش شرط بنایی می باشد که عقد بر اساس آن انعقاد یافته است. قانون مدنی در ماده ۱۱۲۸ تصریح کرده است که «هرگاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود خواه وصف مذکور در عقد تصریح شده یا عقد متبانیاً بر آن واقع شده است.» در اینجا قانون گذار در این ماده از عبارت «متبانیاً» استفاده کرده است که به معنای تبانی می باشد (شهیدی، ۱۳۸۶، ۴۱) اما تفاوت این دو شرط آن است که شرط بنایی مورد توجه خاص طرفین عقد و مورد تعهد آنان است در حالی که شرط ضمنی مورد تعهد طرفین در نظر عرف است و در عقد لحاظ و مورد توجه قرار می گیرد و از مجموعه قرائن و اوضاع و احوال می توانیم وجود نفقه در عقد احراز کنیم. به عنوان مثال مرد سالمندی پس از فوت همسرش تصمیم به ازدواج با زنی بیوه می کند اما چون می خواهد همسرش از او ارث نبرد آن را در قالب ازدواج موقت قرار می دهد؛ چون مرد نمی خواهد آنچه را پس از سالها زحمت به دست آورده همسر جدیدش از آن بهره مند شود ازدواج را در قالب موقت قرار می دهد اما نفقه وجود دارد؛ چون هدف تشکیل زندگی دائمی است (سیمایی صراف، ۱۳۸۰، ۷۲-۷۳) از آنجایی که اصل در عقد موقت، عدم وجود نفقه است؛ اما اگر مردی وجود نفقه را شرط کند یا آن که پس از عقد طرفین با همدیگر تراضی کنند و زوج متعهد شود که نفقه را بپردازد بر مرد واجب است که نفقه زوجه را بپردازد. حال اگر وجود شرط نفقه مشخص نشود زوجه در نکاح موقت حق نفقه نخواهد داشت (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶، ۱۸۶).

رابعاً، عرف جانشین قانون: به طور مطلق در عقد موقت نمی توان زوج را ملزم به ادای نفقه کرد؛ اما اگر شواهد و قرائنی وجود داشته باشد که زوج ملزم به ادای نفقه به زوجه باشد هر چند به صراحت قضیه نفقه شرط نشده باشد؛ مانند آن که عقد موقت طولانی مدت باشد و زوج منزلی را جهت اسکان برای زوجه فراهم کرده باشد و با یکدیگر

زندگی مشترک داشته باشند. شایسته است با توجه به این شواهد و قرائن بتوان با استناد به ماده ۲۲۵ قانون مدنی «متعارف بودن امری در عرف و عادت به طوری که عقد بدون تصریح هم منصرف به آن باشد به منزله ذکر در عقد است»، بتوان زوج را به پرداخت نفقه ملزم کرد (گنجی، ۱۳۸۴، ۱۲۱).

با امعان نظر در شرایط و احکامی که میان نکاح دائم و منقطع متفاوت است، این نکته به دست می آید که در نکاح منقطع از لحاظ امکان پیش بینی شرایط، آزادی بیشتری وجود دارد؛ لذا با توجه به دشواری های اقتصادی که در راه تشکیل خانواده و انجام ازدواج دائم همیشه وجود داشته و به خصوص در زمان ما بیشتر شده، نباید تحت تأثیر تبلیغات نادرست فرهنگ های بیگانه، نکاح موقت را محکوم ساخت و یا آن را به عنوان نهادی شرم آور تلقی نمود، بلکه بایستی از طریق یک مقایسه دقیق میان آثار شوم بی بندوباری های اخلاقی در جهان کنونی و آثار اجتماعی این گونه ازدواج را مورد بررسی قرار داد و برای افرادی که قادر به ازدواج دائم نیستند ازدواج موقت را پیشنهاد کرد.

۱۲- نتیجه گیری و پیشنهادات

۱. بنابراین باید ضمن تبیین شرایط ازدواج موقت از حیث تکالیف و آثار، و همچنین جواز استفاده از این نوع ازدواج که در چه شرایطی مکروه و در چه مواردی توصیه به آن شده است، از یک سو دیدگاه عرفی جامعه را نسبت به این نوع ازدواج واقع بینانه تر نمود و از سویی جلوی هرگونه سوءاستفاده و هرزگی های ناشی از ناهنجاری های اجتماعی را که صرفاً از عنوان ازدواج متعه جهت توجیه شرعی و سرپوش نهادن بر عمل خود استفاده می کنند، گرفته شود.

۲. با توجه به اینکه اذن ولی هم در ازدواج موقت دختر باکره شرط است پس با آگاهی بیشتری این قضیه انجام خواهد شد و همچنین با توجه به عصر حاضر که آگاهی های مردم نسبت به محیط اطرافشان بیشتر است با آگاهی از شرایط تن به این ازدواج می دهند.

۳. اگر امروزه افراد از ازدواج موقت که در واقع قانون الهی است کراهت دارند مشکل از قانون نیست بلکه عیب افرادی است که از آن سوءاستفاده می کنند. اگر ازدواج موقت در جامعه کنونی تحت قوانین و مقررات خاص، به طور صحیح اجرا شود هم مانع سوءاستفاده از آن خواهد شد و هم به هنگام ضرورت افراد از آن استفاده می کنند و دیگر کراهتی وجود نخواهد داشت (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ۳۸۳/۳). بنابراین با توجه به مطالب گفته شده ازدواج موقت نه تنها موجب گسترش هوسرانی نیست بلکه راهکاری در جهت منع آن می باشد.

۴. با مقایسه نکاح منقطع و نکاح دائم معلوم می شود که از نظر شارع نکاح دائم اصل و قاعده می باشد و ازدواج موقت یک راهکار جانبی و فرعی است؛ لذا حکومت اسلامی باید تمام همت خود را برای تشکیل خانواده و نکاح دائم بگمارد و نه تنها مشکلات و موانع نکاح دائم را برطرف نماید، بلکه تسهیلاتی (اعم از قانونی و اجتماعی) برای ازدواج های پایدار و تشکیل خانواده های سالم وضع نماید. زیرا اگرچه ازدواج موقت حکمی مباح و شرعی است، اما تشویق به آن سفارش نشده است، بلکه آنچه مورد تشویق است ازدواج دائم می باشد.

۵. در شرایط حاضر حکومت اسلامی باید نسبت به ازدواج موقت شرایط و مقررات محدودکننده ای مقرر نماید، تا از سوءاستفاده های احتمالی جلوگیری شود، زیرا گاهی از اوقات از این حکم انسان های هرزه و هوسران سوءاستفاده می کنند که با انجام آن نهاد خانواده را بر هم می زنند. نهی در روایات از این حکم نیز بیشتر اشاره به همین مصالح

است. مصلحت‌اندیشی‌هایی که بتواند حقوق زنان و فرزندان را که قربانی سوءاستفاده از این حکم می‌شوند، تضمین نماید و در عین حال راه را بر روی کسانی که قصد استفاده مشروع و منطقی از آن را دارند بگشاید. به دلیل همین مصالح امامان معصوم(ع) در مواردی بر اصحاب خود این عمل را حرام اعلام می‌نمودند، با این تفاوت که این حرمت مانند اعلام حرمت اهل سنت دائمی نیست بلکه موردی و موقت است.

۶. لذا پیشنهاد می‌شود مسئله نفقه، خروج از عقد موقت در سند ازدواج موقت طولانی مدت به عنوان شروط ضمن عقد قید شود و عاقد با تبیین و توضیح مفاد سند، زمینه تصمیم آگاهانه در خصوص آثار، حقوق و تکالیف ایجاد شده برای زوجین را فراهم آورد.

۷. با توجه به اینکه ازدواج موقت هم ازدواج محسوب می‌گردد و طرفین همسر یکدیگر می‌باشند؛ فلذا قانون‌گذار بایستی با عنایت به این مطلب ثبت ازدواج موقت را نیز در تمامی موارد الزامی می‌نمود و ضمانت اجرای تخلف از آن را تعیین کند.

۸. بنابراین برای جلوگیری از به هم گسیختگی خانواده‌ها و به خصوص زندگی همسران دائم مردانی که به چنین ازدواجی اقدام می‌کنند، اولاً ثبت ازدواج موقت را الزامی کنند و ثانیاً حقوقی برای زوجه دائم این مردان قائل باشند به این صورت که با اجازه کتبی همسر اول ازدواج موقت انجام شود تا از سوءاستفاده مردان هوس باز جلوگیری شود. به جهت اینکه برای تولد فرزندان احتمالی مشکل ایجاد نشود، ثبت ازدواج انجام شود.

۹. یکی از عوامل سوءاستفاده از حکم شرعی متعه، عدم محدودیت در تعداد متعه است؛ لذا لازم است این مسئله هم مورد توجه قرار گیرد.

۱۰. در آخر به این نتیجه رسیدیم که مدت عقد موقت هرچقدر طولانی باشد عقد براساس قصد و اراده طرفین خواهد بود و نمی‌توانیم احکام عقد دائم را بر آن بار کنیم چرا که هدف ازدواج موقت ارضای صحیح غریزه جنسی هست.

۱۱. با بررسی تطبیقی که انجام شد نتایجی که از جهت حکم به دست می‌آید، فقط حکم وضعی و ترتب اثر و عدم ترتب اثر بر نکاح (موقت یا دائم) مورد توجه است نه حکم تکلیفی وجوب یا عدم وجوب آن.

منابع

قرآن کریم

- امامی، سید حسن، (۱۳۸۳) حقوق مدنی، ج ۵، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات الاسلامیه
- ایزدی فر، علی اکبر، (۱۳۸۰) حیل‌های شرعی، بابل‌سر، دانشگاه مازندران.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۷۶). حقوق خانواده، چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹) وسائل الشیعه، جلد ۱۲، چاپ اول، قم؛ مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
- سیمایی صراف، حسین. (۱۳۸۰). شرط ضمنی پژوهشی تطبیقی در فقه قانون مدنی ایران و قانون خارجی، چاپ اول، قم؛ بوستان کتاب قم
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی. (۱۴۱۰). الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، جلد ۵، چاپ اول، قم؛ کتابفروشی دآوری.
- شهیدی، مهدی، (۱۳۸۶) حقوق مدنی؛ شروط ضمن عقد، جلد ۴، چاپ اول، تهران؛ انتشارات مجد.
- صفایی، حسین، امامی، اسدالله، (۱۳۷۰) حقوق خانواده؛ نکاح و انحلال آن (فسخ و طلاق)، جلد ۱، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- صفایی، سید حسین و اسدالله امامی، تابستان ۱۳۹۲، مختصر حقوق خانواده، چاپ سی و چهارم، نشر میزان
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۶ ق) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفه، بیروت، چ اول،
- قدسی، احمد (۱۳۸۴) واژه‌شناسی فقه در لغت، قرآن و حدیث از نگاه فریقین، نشریه پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، شماره ۱۳-۱۴، صص ۹۹-۱۲۰
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷ش)، الکافی، بی‌جا، دارالکتب الاسلامیه.
- لطفی، اسدالله، (۱۳۸۸) حقوق خانواده، جلد اول، تهران، انتشارات خرسندی
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۴) حقوق خانواده، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی
- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه بخش مدنی ۲، ۱۳۸۰، انتشارات سمت،
- مطهری، مرتضی: «نظام حقوق زن در اسلام»، صدرا، قم، چاپ هشتم، ۱۳۵۷.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰ ش) تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله، تحریر الوسیله، ۲ جلد، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، قم - ایران، اول، هـ ق
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین (للخوئی)، ۲ جلد، نشر مدینه العلم، قم - ایران، ۲۸، ۱۴۱۰ هـ ق
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم، موسوعه الإمام الخوئی، ۳۳ جلد، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی ره، قم - ایران، اول، ۱۴۱۸ هـ ق.

مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۸۹) اخلاق عملی، قم، انتشارات جمکران.

وثیق‌زاده انصاری، حسن، (۱۳۸۰) «جایگاه قانونی ازدواج موقت در نظام حقوقی ایران» ماهنامه دادرسی، شماره ۲۷،

صص ۵۷-۶۰